

فهرست

سال یازدهم، شماره ۴، پاییز ۱۳۷۲

مقاله ها :

- ۵۶۹ ژیلبر لازار ریشه های زبان فارسی ادبی
- ۵۸۵ نادر نادرپور پلی بر فراز نهر سورن
- ۵۹۹ احمد کریمی حکاک نژاد، مذهب، زبان: تأملی در سه انگاره قومیت در ایران
- ۶۲۱ ماشاء الله آجودانی درونمایه های شعر مشروطه
- ۶۴۷ علی شرقی پژوهشی در باره چاپ اولین اسکناس در ایران
- جامعه مدنی، دموکراسی و استعمار:

- ۶۵۷ غلامرضا افخمی پرسشی پیرامون آینده ایران

گذری و نظری:

- ۶۹۱ فرزانه میلانی پای صحبت شهرنوش پارسی پور
- نقد و بررسی کتاب:
- ۷۰۵ علی بنوعزیزی روان پریشی فرهنگی و مجادله صدساله با غرب
- ۷۱۰ جلیل دوستخواه باغی در دل کویر، باغی در کویردل

- ۷۲۱ فهرست سال یازدهم

- ۷۲۳ کتاب ها و نشریات رسیده

ترجمه خلاصه مقاله ها به انگلیسی

اثری که باید در خانه هر ایرانی فرهنگ دوستی موجود باشد



ENCYCLOPAEDIA IRANICA

دانشنامه ایرانیکا

جلد ششم

Volume VI

دفاتر ۱، ۲، ۳ و ۴

Fascicle 1 (Coffee House -- Communism IV)

Fascicle 2 (Communism IV -- Contracts II)

Fascicle 3 (Contracts III -- Cotton II)

Fascicle 4 (Cotton II -- Čüb-Bāzi)

منتشر شد

Mazda Publishers

P. O. Box 2603

Costa Mesa, CA 92626

U. S.A.

Tel: (714) 751-5252

پژوهشی در باره چاپ اولین اسکناس در ایران

تمدن بشری، چون کاخ عظیمی است که در طول هزاران سال ملل گوناگون جهان، هرکدام در دوره شکوفائی فرهنگی خود، پایه ای و پایه ای از آن را پی افکنده اند. از این رو اگر امروز کشورهایی به خاطر دستاوردهای علمی و تکنولوژیک مدرن دو سده گذشته توانمند شده و پیشرفته نام گرفته اند به هیچ روی نباید وانمود گردد که از عمر پیشرفت و تمدن بشری بیش از همین چند سده نمی گذرد. انقلاب صنعتی یا انقلاب فرانسه در اروپا و یا جنبش‌های آزادیخواهانه آمریکا را نباید سرآغاز تمدن علمی و صنعتی جوامع بشری دانست. تمایل جوامع مدرن صنعتی، یا به تعبیر دقیق تر، جوامع غربی، به ارائه و گسترش فرهنگ و جهان بینی خود امری طبیعی است. همچنین با توجه به پیشرفت هایی که در سده های اخیر در زمینه دانش های بشری، به ویژه در زمینه صنعت و تکنولوژی مدرن در جهان غرب روی داده است انسان غربی^۱ حق دارد به دستاوردهای شگفت انگیز خود در این زمینه ها بیبالد. اما این دستاوردها و پیشرفت ها نباید بهانه و دلیلی برای نادیده گرفتن و یا کم بها جلوه دادن سهم سایر ملت ها، که بنیان گزاران واقعی تمدن کنونی بشری بوده اند، باشد. باید در نظر داشت که شناختن آتش و استفاده از نیروی اهرم و

* اقتصاد دان، پژوهشگر و رئیس شورای مشورتی دانشگاه ایالتی نورفولک.

استخراج آهن و تهیه مفرغ و ساختن کاغذ و کشف مواد شیمیائی و اصولاً بنیاد نهادن اساس علوم فیزیک و شیمی و نجوم و پزشکی و هزاران دستاورد علمی دیگر در زمان خود نه تنها کمتر از کشف نیروی بخار و الکتریسته یا اتم نبوده است، بلکه بدون آن کشفیات و اختراعات و دانش ها دستیابی به تکنولوژی مدرن غیر ممکن می بود.

اما فرض متداول در بسیاری از جوامع غربی معمولاً این است که همه پیشرفت های عمده بشری از سده شانزدهم به بعد انجام گرفته است. به عنوان نمونه، در آزمون ساده ای که دو سال پیش در ایالات متحده آمریکا انجام گرفت از پانصد دانشجوی دوره لیسانس و فوق لیسانس ستوال شد که «بانکداری از ابتکارات کدام ملل بوده و از چه زمانی معمول گردیده است؟» بیش از ۶۵٪ از این دانشجویان بانکداری را پدیده های نسبتاً نوینی پنداشته بودند که در اروپا نضج گرفته و مربوط به بعد از سده شانزدهم میلادی است. هنگامی که همین پرسش درباره زمان و محل آغاز چاپ و نشر اسکناس مطرح شد بیش از ۷۸٪ دانشجویان که بسیاری از آنها دانشجویان مدیریت و اقتصاد و علوم انسانی بودند چاپ و نشر اسکناس را پدیده نوینی دانسته بودند که در ۲۰۰ سال گذشته و به ابتکار اروپائیان روی داده است. و این درست در زمانی است که ما هفتصدمین سال چاپ و نشر نخستین اسکناس را در ایران پشت سر می گذاریم.

پیش از آغاز بحث اصلی این نوشتار اشاره کوتاهی به چگونگی پیدایش و رشد صنعت بانکداری در عهد باستان، که باید آنرا گام نخست برای چاپ و نشر اسکناس دانست، ضروری به نظر می رسد.

به بیانی ساده، بانکداری یعنی تجارت پول و اعتبار. بنابراین، در هر کشوری که پول وسیله مبادله کالا شده، طبعاً معاملات مربوط به آن نیز که اساس بانکداری است معمول گردیده است. در ایران باستان، از دوره هخامنشیان نشانه هایی از وجود مؤسساتی که امروز بانک نامیده می شوند، وجود داشته است. سازمانهای برادران «موراشوازیپ پور» و بانک «اجی بی» از نخستین بانک های هستند که در امپراطوری هخامنشیان تأسیس شده بودند.^۴ بر اساس متون تاریخی مربوط به این دوران روشن است که در بابل، در زمان داریوش اول هخامنشی، «اجی بی» بانک معتبری بوده است. در قراردادهای این بانک نشانه هایی از ارتباط آن با بخت نصر که برداریوش یاغی شده بود، به چشم می خورد. از سوی دیگر، اسناد منتسب به اسرای یهودی زمان بخت نصر سوم

حاکمی از آن است که برادران "موراشواز نیپ پور"، بانکداران مشهور آن زمان، نیز زمانی چند در اسارت او به سر می برده اند.

در قانون مشهور حمورابی نیز که به ۱۹۳۰ سال قبل از میلاد بر می گردد، موادی درباره سپرده ها و چگونگی وام های مختلف وجود دارد و در آن حتی مقرراتی درباره حق العمل کاری (Commission) پیش بینی شده است. بر روی خشت هائی که در بابل کشف شده است نیز قراردادهائی منقوش است. برای نمونه، بر روی یکی از آنها سندی است که حکایت از انتقال پول از بابل به "لارسا" می کند. فنیقی ها نیز که به کار تجارت و دریانوردی مشغول بودند به خاطر داشتن روابط تجارتي با امپراطوری ایران، به تدریج اصول بانکداری را فرا گرفتند و آن را به یونانی ها آموختند و بدین سان بانکداری در یونان هم رواج گرفت. قوانین سولون (Solon) که در قرن هفتم قبل از میلاد در یونان تنظیم گردید، اخذ بهره را مجاز اعلام کرد و این باعث رونق بانکداری در آن سرزمین شد.^۷

رومی ها بانکداری را از یونانیان آموختند. در اواخر دوره جمهوری یا اوایل دوره امپراتوری، بانکداری در روم رونق یافت. دو گروه بانکدار عمده در این امپراتوری یکی بانکداران نومیلاری "Numilari" بودند که صرفاً کارهای تبدیل پول و صرافانی را انجام می دادند و گروه دوم آرژانتاری "Argentari" که تقریباً کلیه خدمات بانکی را عرضه می داشتند.^۸ اما در آغاز قرون وسطی امپراتوری روم با حمله قبایل وحشی غرب اروپا نابود گردید و نه تنها تجارت و بانکداری رو به افول گذاشت بلکه اساس تمدن در مغرب زمین متزلزل شد، در حالی که بانکداری در ایران و سایر کشورهای متمدن شرق در حال رشد و گسترش بود.

پس از یک رکود ۴۰۰ ساله، در اوایل قرن یازدهم میلادی، شهرنشینی و تجارت دوباره در مغرب زمین رونق گرفت، جنگ های صلیبی رابطه آسیای میانه و مرکزی را با اروپا برقرار کرد و بانکداری و تجارت خارجی از سر گرفته شد. کشور ایتالیای کنونی بر پایه سابقه تاریخی خود پیشتاز بانکداری اروپا گردید و شهرهای فلورانس و ونیز و لمباردی مراکز مهم بانکداری آن زمان شدند.

واژه بانک نیز از همین زمان معمول گشت زیرا بانکداران لمباردی و ونیزی روزهای ویژه ای در میدان های عمومی روی نیمکت های کوچکی می نشستند و خدمات بانکی به مردم عرضه می کردند و چون در زبان ایتالیائی نیمکت "بانکو" (Banco) نامیده می شود و مردم همیشه این کسان را نشسته بر روی این نیمکت ها یا پیشخوان ها می دیدند به تدریج آن ها را نیز بانکو و بانکیری (Banchieri)

نام نهادند و به این ترتیب در سایر زبان ها واژه بانک برای این صنعت به کار برده شد.

در همین زمان که حدود پایان سده یازدهم یا اوایل سده دوازدهم است بانک‌های ونیزی، و بخصوص بانک های فلورانس که در بانکداری پیشگام دیگران شده بودند، به گسترش شبکه های بانکی خود پرداختند و برای اولین بار در غرب اروپا و انگلیس شعبه هائی دائر کردند. اما درست هنگامی که کشورهای اروپای غربی با پدیده بانکداری برای اولین بار آشنا می شدند رویدادی بزرگ در کشورهای چین و ایران در صنعت بانکداری و چاپ رخ داد و آن ابداع اسکناس بود.

تا قبل از انتشار اسکناس بانک ها به صورت واحدهای کوچک محلی اداره می شدند زیرا واحد پول آن ها، سکه های طلا و نقره و سایر فلزات بود و جابجائی و انتقال پول را به خاطر وزن زیاد سکه از یک سو و نا امنی راه ها از سوی دیگر تقریباً ناممکن می ساخت. ابداع و رواج پول کاغذی بود که راه را برای توسعه شبکه های بانکداری هموار کرد.

چاپ و توزیع اسکناس در ایران در سال ۶۹۳ هجری قمری برابر با ۱۲۹۴ میلادی و در عهد پادشاهی گیخاتو از سلسله ایلخانیان صورت گرفت.^۹ گیخاتو پادشاهی گشاده دست و خراج و بی اعتنا به مال و منال بود و « زر و سیم و جواهر و نفایس را به این عنوان که زینت زنان است مانند ریگ بیابان خوار می شمرد و در بذل و بخشش به اوگتای قا آن تشبّه می کرد [و] به زودی خزانه را خالی کرد.»

در همین زمان بیماری عجیبی در میان دام ها در سراسر کشور شایع شد که وصّاف آن را "یوت" و میر خواند آن را "یوت میشی" خوانده اند. این بیماری اسرار آمیز که از آن به عنوان وبای گاوی یا طاعون رمه نیز یاد شده است شماری بسیار از دام های ایران بخصوص در ایالات خراسان، دیار بکر و بغداد را نابود ساخت و بدینسان قسمت عمده درآمد کشور که از راه گله داری تأمین می شد قطع و خزانه مملکت تهی شد. صدر اعظم ایران، صدرالدین احمد خالیدی زنجانی که به صدر جهان ملقب و به «صاحبدیوانی کل ممالک» منصوب شده بود، از عهده رفع این بحران مالی بر نیامد و عاجز ماند. هرچند پادشاه به حمایت از صدر اعظم خود «یرلیقی» صادر کرد که از کنار جیحون تا حد مصر، عموم امرا و حکام و عمّال و منشیان معزول باشند و همه خود را مطیع امر صدر جهان بدانند تا او هرکه را به هرکاری که

می‌خواهد بگمارد و شاهزادگان و خواتین به هیچ کس موجب و اقطاعی ندهند. . .»^{۱۲} لیکن نه تنها گره مالی کشور گشوده نشد بلکه فقر مالی دولت و نایابی پول تا به آنجا کشید که «گاهی برای خرید یک سر گوسفند جهت مطبخ ایلخان پول در خزانه فراهم نبود»^{۱۳}.

عزالدین محمدبن مظفر عمید، مشاور صدر جهان، که شخصی با تدبیر و جهان دیده بود و در باره چین و مسائل مالی آن کشور اطلاعات بسیار داشت، به صدر جهان پیشنهاد کرد که بهتر است برای رفع بحران مالی کشور، همان گونه که در چین مرسوم است به جای زر و سیم "چاو" یا پول کاغذی در کشور رایج شود:

اکنون که خزانه خالی است و نیاز به مال جهت پرداخت حواله ها و سایر مخارج بسیار است و وام کردن هم بعد از این دشوار شود و اگر به ناگاه لازم شود که سپاهی آماده کنیم از عهده برنیائیم. از سوی دیگر نمی توان از رعایا خراج گرفت چه سبب تنفر خاطر آنان و تخریب بلاد می شود بهتر آنست که مانند ممالک قآن بجای زر و سیم "چاو" را معمول سازیم تا ابواب معاملات مفتوح شود و مال به خزانه باز گردد.

صاحب‌دیوان پیشنهاد مشاور خویش را کارساز تشخیص داد و درباره آن با "پولادچنگ سانگ"، سفیر چین در دربار ایران، نیز مشورت کرد و سپس پیشنهاد چاپ اسکناس را به پادشاه عرضه داشت:

ایلخان حکم داد که در تمام ممالک به زر و سیم معامله نکنند و پارچه های زربفت جز آن چه مخصوص پادشاه و خواص امر است نیافند و از ساختن زر و سیم اجتناب کنند . . . و به اطراف ممالک عراق عرب و عجم و دیار بکر و ربیع و موصل و میافارقین و آذربایجان و خراسان و کرمان و شیراز امیری بزرگ فرستاده شد تا در هر ملکی چاوخانه بنیاد کنند.

حکم ایلخان آن بود که دیگر سکه طلا و نقره به کار برده نشود و به جای آن اسکناس یا "چاو" چاپ و در جریان گذاشته شود و برای این منظور ده مرکز چاپ و نشر اسکناس در ولایات نامبرده ایجاد گردید. سازمان مرکزی چاوخانه در تبریز قرار داشت و از اداره مرکزی برای هر یک از شعبات چاوخانه در سایر ولایات یک مدیر (متصرف) و یک بازرس مالیات (بیتکچی) و یک حسابدار (خازن) فرستاده شدند.

به این ترتیب، مقدمات چاپ اسکناس، که آن را "چاو مبارک" نامیده بودند

فراهم گردید. طرح اسکناس را به صورت وارونه بر روی قطعه های چوبی (به گونه ای که امروز کلیشه خوانده می شود) حکاکی کردند و کاغذ را از خمیر پوست درخت توت ساختند بدین گونه که از پوسته های درخت توت و رشته هائی که در برگ این درخت است (کرم ابریشم قسمت های نرم برگ درخت توت را می جود ولی از خوردن رشته های داخل برگ عاجز است) خمیری درست می کردند و این خمیر را در میان دو لایه نمد می گذاشتند تا خشک شود و به صورت کاغذ درآید.

مارکوپولو سیاح معروف ونیزی که در همین زمان، یعنی در حدود هفتصد سال پیش، از طریق ایران به چین رفت در سفرنامه خود چگونگی تهیه کاغذ و چاپ پول کاغذی در چین را یادداشت کرده است: «از درخت توت که برگ هایش خوراک کرم ابریشم است، پوست های آن را جدا می کنند و آن رشته های باریک را که در میان پوست و برگ و ساقه درخت است خیس می کنند آن گاه در هاون کوبیده خمیر می کنند و از آن کاغذ می سازند.»^{۱۶}

از چا و اسکناس که بگذریم، ابداع صنعت چاپ نیز به نوبه خود درخور اهمیت و توجه است. بیشتر اروپائیان گوتمبرگ را مبتکر چاپ می شناسند در صورتی که ۷۰۰ سال پیش از او حداقل ۱۰ مرکز چاپ اسکناس در ایران وجود داشته است و تعداد بیشتری از آن در چین. از همین رو، صنعت چاپ را نیز باید یکی دیگر از ابتکارات و اختراعات عمده ملت های شرق شمرد. جان وال، پژوهشگر آمریکائی، که مدتی نیز در ایران به سر برده است در این باره می نویسد: «ایرانی ها و چینی ها زمانی صنعت چاپ را ابداع نموده اند و هنر چاپ کردن را معمول داشته اند که اروپا غرق در توحش بود.»^{۱۷}

صد و یکسال پیش (۱۸۹۲) ژوزف روبینو اولین رئیس بانک شاهی ایران ضمن مقاله مفصل و عالمانه ای که درباره وضع اقتصادی و بانکی ایران تا زمان سلطنت ناصرالدین شاه تهیه کرده بود و در مجمع بانکداران اروپائی که در لندن برگزار شده بود قرائت می کرد چنین گفت:

جالب توجه است اینکه که ما اسکناس را با معیارهای اروپائی آن در ایران معرفی می نمایم، به خاطر داشته باشیم که نظیر چنین تجربه ای را ایرانیان در شرایط سختی در قرن سیزدهم میلادی یعنی قرن ها پیش از آن که حتی چنین تصویری برای ما اروپائیان وجود داشته باشد، به جهانیان عرضه داشته اند.

پیش از بررسی چگونگی چاپ و انتشار "چاو" اشاره به این نکته ضروری است که واژه های چاپ و چاپخانه که امروز در زبان فارسی به کار برده می شوند همان دو واژه "چاو" و "چاوخانه" عهد گیخاتو و صدر جهان^{۲۱} اند.

اولین اسکناس ایران روز شنبه نوزدهم شوال سال ۶۹۳ هجری قمری (۱۹۲۴ میلادی) در شهر تبریز منتشر شد. این اسکناس قطعه کاغذی بود به شکل مربع مستطیل که در بالای آن در دو طرف عبارات لاله الله و محمد رسول الله چاپ شده. در زیر این دو عبارت، نام و عنوان ختائی پادشاه به چشم می خورد. در وسط اسکناس دایره ای چاپ کرده بودند که در آن ارزش اسمی اسکناس از نیم درهم تا ده دینار^{۲۲} قید شده بود. درپائین اسکناس نیز این جمله اخطار گونه به چاپ رسیده بود: «پادشاه در سنه ۶۹۳ این چاو مبارک را در ممالک روانه گردانید. تغییر و تبدیلی کننده را با زن و فرزند به یاسا رسانیده مال او را جهت دیوان بردارند.»

با آن که خوشبختانه مشخصات و جزئیات این اسکناس توسط مورخین آن زمان به دقت یادداشت و ضبط شده است، نمونه ای از این اسکناس در هیچیک از موزه های بزرگ جهان یا مجموعه های خصوصی به نظر نگارنده نرسیده. اما نمونه اسکناس مشابهی با همان مشخصات، که در همان سال و با همان کاغذ و چاپ درچین چاپ شده در مجموعه شخصی نگارنده در دسترس است. هرچند اسکناس از ویژگی های بنیادی سیستم بانکی امروز جهان است، اما چاپ و نشر آن در آن روزگار نه در چین و نه در ایران با استقبال مردم روبرو نشد. در آن دوران کارگزاران حکومتی علاقه چندانی برای آماده کردن اذهان مردم نداشتند و به جای آشناساختن تدریجی بازرگانان و پیشه وران با این ابتکار به همان روش معمول به تعریفات و تملقات بی معنی پرداختند:

چاو نامه به شیراز آوردند بغایت مطول، زبده تقریرات آن که چون چاو مبارک در عوض زر مانند اشک مهجوران جاری شود، فقر و فاقه و ضرر و مسکنت از میان خلائق مرتفع گردد. . . . و غنی و فقیر در درجه تساوی گیرد و شعرا و افاضل دردمح آن نتایج فکر خود به اظهار رسانیدند. نمودار را این بیت از قطعه یکی از افاضل ثبت کرده شد.
چاو اگر در جهان روان گردد رونق ملک جاودان گردد.

و آنگاه که مردم به اسکناس روی نیاوردند عمال حکومت بزور متوسل شدند و هرکس به زر و سیم معامله می کرد، مورد بازخواست قرار می گرفت: «روز شنبه

نوزدهم شوال در شهر تبریز چاو بیرون آوردند و روان کردند و فرمان چنان بود که هر آفریننده‌ای نستاند او را به یاسا رسانند. یک هفته از بیم شمشیر می‌ستدند»^{۲۴}

فشار حکومت و اعمال زور نتیجه معکوس به بار آورد و بی اعتمادی پیشه‌وران و بازرگانان نسبت به این پدیده جدید، یعنی پول کاغذی، عمیق‌تر گردید. در تبریز غوغائی برپا شد. مردم که مایل نبودند زر و سیم یا کالای خود را تحویل دهند و در مقابل، به گمان خود، "تکه کاغذی" دریافت کنند، باوجود همه سخت‌گیری‌ها و فشار عمال دیوانی، عکس‌العمل‌های شدید نشان دادند. بازار تبریز بسته شد و بازرگانان به بهانه‌های گوناگون شهر را ترک کردند. کالاهای ضروری به سرعت نایاب شد و در پی آن بی‌نظمی و هرج و مرج در شهر حکمفرما گردید آن گونه که:

رنود بشب بر کوچها باغ [کوچه باغ‌ها] کمین کردند و اگر مسکینی خرواری غله یا سیدی میوه به حیلت بدست آورده بودی تا بخانه برد آنرا از وی می‌ستدند و اگر مانع شدی گفتندی بفروش و بهاء آن چاو مبارک بستان.^{۲۵}

بزودی ارزش پول جدید "چاو" سقوط کرد و به یک دهم ارزش اسمی آن رسید. وصاف که با پدیده پول کاغذی و اسکناس مخالف بوده است می‌نویسد: «دوستی برای من حکایت کرد که در آن روزگار در بازار اسب‌فروشان تبریز بودم. اسبی را که پانزده دینار نمی‌ارزید صدو پنجاه دینار چاو می‌دادند و صاحب آن نمی‌فروخت.»^{۲۶}

مردم تبریز سر به شورش برداشتند و اعتراض آنان از هرسوی بلند شد و آشکارا به طعن و لعن پرداختند و حتی گروهی در صدد قتل عزالدین محمد مظفر که مبتکر چاو بود برآمدند. «درویشی بر سر بازار عنان صدرالدین بگرفت و گفت: بوی جگر سوخته عالم بگرفت، گرنشیدی زهی دماغی که تراست.»^{۲۷} امرا و لشکریان و مأموران حکومتی تبریز به تدریج نگران شدند، چه بیم شورش مردمان می‌رفت. سرداران سپاه نگرانی خود را با صدر جهان در میان نهادند و او ایلخان را از وخامت اوضاع آگاه ساخت. این گونه بود که روز بعد ایلخان یرلیقی صادر کرد تا چاو را از جریان خارج کنند.

هر چند در هفتصد سال پیش بازرگانان و پیشه‌وران تبریز این قطعه‌های

کاغذ را به عنوان پول رسمی به جانشینی سکه های طلا و نقره نپذیرفتند و ابتکار حکومت وقت ایران به فرجام نرسید. اما، پس از گذشت چند سده، نوآوری چین و ایران آن دوران بنیاد مؤسسات اقتصادی و مالی جهان را دگرگون ساخت آنگونه که امروز تصوّر شبکه های عظیم اقتصادی و بانکی بدون اسکناس در خیال هم نمی گنجد.

* این نوشتار ترجمه گسترده مقاله ای به زبان انگلیسی است که در بهار ۱۹۹۳ در کنفرانس بررسی و تحلیل مسائل ایران در دانشگاه UCLA ارائه گردید و بخشی از کتاب نگارنده به نام: *Contribution to the Modern Banking* خواهد بود که در دست نگارش است. ع. ش.

پانویس ها:

۱. مراد از "انسان غربی" میراث بر مجموعه اندیشه ها و رویدادهائی است که از قرن شانزدهم در مغرب زمین پدیدار شد و تجدد نام گرفت. برای بحثی در این باره ن. ک. به: جمشید بهنام، "درباره تجدد"، ایران نامه، شماره ۳، سال هشتم، تابستان ۱۳۶۹، صص ۳۴۷-۳۷۴.
۲. واژه اسکناس در اصل همان assignat فرانسوی است که در زبان روسی assignanas شده و به زبان فارسی راه یافته. ن. ک. به: ابراهیم پورداود، هموید نامه.
۳. پول در زبان فارسی به معنی جسر است که بعداً به پُل تبدیل شده است. در نوشته های قدیم اولین بار واژه پول در سوغنامه ناصرخسرو به معنای وسیله داد و ستد به کار رفته است: «دراین شهر اخلاط (از شهرهای ارمنستان) به سه زبان سخن گویند . . . و معامله آنجا به پول باشد» سوغنامه ناصرخسرو، صص ۸-۹. به نوشته کریستن سن دانمارکی، ظاهراً این کلمه از زمان اشکانیان از واژه "بول" یونانی گرفته شده است: آ. کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، تهران، ص ۲۷. ابراهیم پورداود ریشه این واژه را obolos یونانی یا obole فرانسوی می داند: ابراهیم پورداود، هموید نامه، تهران، صص ۲۳۳-۲۷۴.
- ۴ - مجله بانک سپه، شماره ۱، سال اول.
- ۵ - حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، تاریخ ایران باستان، تهران، شرکت مطبوعات، ۱۳۱۱، ج دوم، صص ۹۵۰-۹۵۱.
۶. همان، صص ۵۵۳-۵۵۴ و ۹۵۰-۹۵۱.
۷. عبدالحمید زنگنه، بانک، تهران، ۱۳۱۸، صص ۱-۲.
۸. همان، صص ۶-۹.
۹. ن. ک. به: شهاب الدین و صاف، تاریخ و صاف، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶؛ سرجان ملک، تاریخ ایران، ترجمه میرزا اسمعیل حیرت، تهران، ۱۳۰۳ ق.
۱۰. عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، تهران، امیر کبیر، ص ۲۴۸.
۱۱. یرلیغ واژه مغولی است به معنای فرمان و منشور پادشاه.

۱۲. عباس اقبال، همان، ص ۲۴۷.
۱۳. همان، ص ۲۴۸.
۱۴. تاریخ و صاف، ص ۱۶۵.
۱۵. همان جا.
16. *The Travels of Marco Polo*, New york, 1926, pp. 156-158.
17. John wall, "The Paper Money of Persia," in *The Currency Collector*, Vol.14, No.2, (1973), p. 61.
18. Joseph Rohino, "Banking in Persia," in *Journal of The Institute of Bankers*, Vol.13, January 1892, p. 24.
۱۹. ابراهیم پور داود، همان، صص ۲۳۳-۲۷۳. مجتبی مینوی چاپ را مشتق از واژه "چپاپه" هندی می داند. اما هم پورداود و هم مینوی "چپاپه" را نیز شکل دیگری از واژه چاو می شعرند.
۲۰. و صاف به جای شوال ماه ذیعقده سال ۶۹۳ هجری قمری را آورده است، همان، ص ۱۶۶.
۲۱. درهم ظاهراً معرب درم فارسی است که معادل ده یک دینار است. دینار مأخوذ از واژه دیناریوس یونانی، به معنای "ده تایی" است. از این رو هر دینار برابر ده درهم یادرم است.
۲۲. تاریخ و صاف، ص ۱۶۶.
۲۳. همانجا.
۲۴. رشید الدین فضل الله، *جامع التواریخ رشیدی*، به کوشش بهمن کریمی، تهران، اقبال، ۱۳۳۸، ص ۸۳۵.
۲۵. همانجا.
۲۶. تاریخ و صاف، صص ۱۶۶-۱۶۷.
۲۸. *جامع التواریخ رشیدی*، نسخه خطی.